

FINAL AWARD

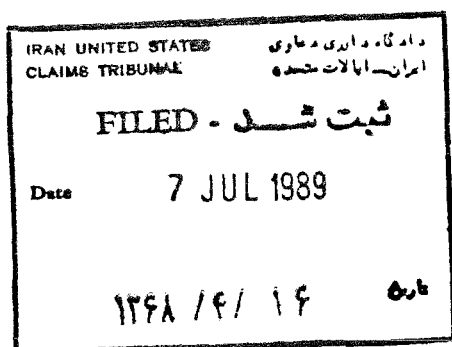
Case No. 764

Chamber One

پرونده شماره ۷۶۴

شعبه یک

حکم شماره ۱-۷۶۴-۴۲۸



ورلد فارمرز تریدینگ اینکورپوریتد

خواهان،

- و -

شرکت معاملات دولتی،

بانک ملی ایران،

بانک مرکزی ایران،

خواندگان.

حکم نهایی

۱ - دعوای حاضر از نقض ادعایی دو فقره قرارداد فروش محصولات کشاورزی، منعقد بین ورلد فارمرز تریدینگ اینکورپوریتد ("ورلد فارمرز") و شرکت معاملات دولتی ("شرکت معاملات") ناشی می‌شود. ورلد فارمرز ادعاهایی علیه شرکت معاملات در ارتباط با قرارداد فروش و همچنین ادعاهایی علیه بانک ملی ایران و بانک مرکزی ایران بر مبنای اعتبارات اسنادی که حسب ادعا بانکهای مزبور در رابطه با معاملات مورد بحث صادر کرده‌اند اقامه کرده است. شرکت معاملات دعوای متقابلی علیه ورلد فارمرز طرح کرده است. دیوان طی حکمی جزئی، دعوای مطروح علیه شرکت معاملات را به لحاظ فقد صلاحیت مردود شناخت و به طرفین دستور داد که نظرات خود را درباره صلاحیت دیوان نسبت به دعوای مطروح علیه دو بانک مزبور و همچنین راجع به دعوای متقابل تسلیم نمایند. حکم جزئی شماره ۱ - ۷۶۴ - ۶۶ مورخ ۲۵ مردادماه ۱۳۶۲ [۱۶ اوت ۱۹۸۳] در پرونده ورلد فارمرز تریدینگ کورپوریشن و سایرین (منتشره در ۱۹۷ Iran-U.S. C.T.R. 3) ("حکم جزئی"). بعداً با توجه به اوضاع و احوال خاص پرونده دیوان اعلام کرد که قصد دارد راجع به موضوعات صلاحیتی و ماهیت پرونده بدون تشکیل جلسه استماع تصمیم گیرد، مگر آنکه یکی از طرفین درخواست تشکیل جلسه استماع نماید. حکم نهایی حاضر، تکلیف بقیه موضوعات پرونده را تعیین می‌کند.

یک - جریان رسیدگی

۲ - در ۲۸ دیماه ۱۳۶۰ [۱۸ ژانویه ۱۹۸۲] ورلد فارمرز دعوایی در دیوان به ثبت رساند و تقاضا کرد حکمی به مبلغ ۹,۴۷۱,۴۲۰/- دلار آمریکا علیه خوانده، شرکت معاملات بابت خسارات ناشی از نقض ادعایی دو فقره قرارداد منعقد در ۱۵ تیرماه ۱۳۵۸ [ششم ژوئیه ۱۹۷۹] برای خرید و فروش مقادیری ذرت گرمسیری ولویای ژاپنی صادر گردد. همین مبلغ توسط ورلد فارمرز علیه بانک ملی ایران و بانک مرکزی ایران

بر مبنای دو فقره اعتبار اسنادی غیرقابل برگشت که حسب ادعا در رابطه با قراردادهای صادر شده بودند، مطالبه شده است.

۳ - شرکت معاملات دعوای متقابلی به مبلغ ۴۷۳،۵۷۱/- دلار آمریکا بابت وجه ضمانتنامه حسن انجام کاری که ورلد فارمرز متعهد بود طبق قرارداد ارائه نماید، ولی بر حسب ادعای شرکت معاملات با شرایط غیر قابل قبولی تسلیم شده بود، اقامه کرده است.

۴ - در حکم جزئی، دیوان نظر داد که قید انتخاب مرجع رسیدگی مندرج در قراردادهای بین ورلد فارمرز و شرکت معاملات مشمول شرط استثناء مرجع رسیدگی موضوع بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعوای می باشد و در نتیجه نظر داد که برای رسیدگی به دعوای مطروح علیه شرکت معاملات صلاحیت ندارد و آنرا رد کرد.

۵ - در حکم جزئی، دیوان دستور داد که:

"... خواهان ... تا ۲۵ مهرماه ۱۳۶۲ [۱۷ اکتبر ۱۹۸۳] نظرات خود را درباره صلاحیت دیوان دآوری جهت رسیدگی به دعوای مطروحه علیه بانک ملی ایران و بانک مرکزی ایران، باتوجه به قید انتخاب مرجع رسیدگی مندرج در دو فقره قرارداد با شرکت معاملات دولتی و شروط دو فقره اعتبار اسنادی، همچنین نظرات [خود] را در باب صلاحیت دیوان جهت رسیدگی به ادعای متقابل شرکت معاملات دولتی" به ثبت رساند.

در حکم صادره، دیوان همچنین مقرر داشته بود که پس از وصول نظرات ورلد فارمرز و خواندگان :

دیوان داورى درحال حاضر قصد دارد که بعد از دریافت مدارک فوق‌الذکر تصمیم خود را براساس اسناد تسلیمی اتخاذ نماید.

۶ - خواهان تا ۲۵ مهرماه ۱۳۶۲ [۱۷ اکتبر ۱۹۸۳] اظهاریه‌ای در عمل به دستور مندرج در حکم به ثبت نرساند. بنابراین دیوان طی دستور مورخ نهم شهریورماه ۱۳۶۳ [۳۱ اوت ۱۹۸۴] و طبق ماده ۲۸ قواعد خود اشعار داشت که چنانچه خواهان تا ۲۳ مهرماه ۱۳۶۳ [۱۵ اکتبر ۱۹۸۴] نظرات خود را درباره این موضوعات به ثبت نرساند، دیوان نسبت به پرونده براساس لوایح و مدارک تسلیمی تصمیم خواهد گرفت. در ۱۴ آبان‌ماه ۱۳۶۴ [پنجم نوامبر ۱۹۸۵] خواهان نامه‌ای به تاریخ ۱۱ تیرماه ۱۳۶۴ [دوم ژوئیه ۱۹۸۵] ثبت کرد که بدواً در ۲۵ تیرماه ۱۳۶۴ [۱۶ ژوئیه ۱۹۸۵] دریافت شده بود و رؤسای مشترک دفتر دیوان از ثبت آن امتناع کرده بودند، زیرا برخلاف مفاد ماده ۱۷ قواعد دیوان، متن فارسی همراه آن نبود. در نامه، از جمله اظهار شده بود که ورلد فارمرز به همان اسنادی که قبلاً در پرونده حاضر تسلیم نموده مجدداً استناد می‌کند. متعاقباً ورلد فارمرز در چهارم آذرماه ۱۳۶۴ [۲۵ نوامبر ۱۹۸۵] تقاضایی برای تسریع رسیدگی به پرونده به ثبت رساند.

۷ - دیوان در دستور مورخ پنجم اسفندماه ۱۳۶۴ [۲۴ فوریه ۱۹۸۶] خود اعلام کرد که قصد دارد بقیه موضوعات مربوط به صلاحیت رسیدگی به دعاوی مطروح علیه بانک ملی ایران و بانک مرکزی ایران و دعاوی متقابل شرکت معاملات را به ماهیت دعاوی منضم نماید. در همان دستور، از طرفین خواسته شد که ادله و مدارک خود را به ثبت رسانند. در ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ [۲۰ مه ۱۹۸۶] خواهان درخواست تمدید مهلت کرد، ولی چون درخواست وی فاقد متن فارسی مقرر طبق قواعد دیوان بود، از ثبت آن امتناع شد. با این وصف، دیوان طی دستور مورخ ششم خردادماه ۱۳۶۵ [۲۷ مه ۱۹۸۶] مهلت ثبت مدارک را ابتدا تا ۲۶ خردادماه ۱۳۶۵ [۱۶ ژوئن ۱۹۸۶] و

سپس طی دستور مورخ ۱۳ مردادماه ۱۳۶۵ [چهارم اوت ۱۹۸۶] تا ۲۷ مردادماه ۱۳۶۵ [۱۸ اوت ۱۹۸۶] تمدید کرد. در بند آخر آن دستور اعلام گردید که:

چنانچه هریک از طرفین تا ۲۹ بهمن ماه ۱۳۶۵ [۱۸ فوریه ۱۹۸۷] درخواستی برای تشکیل جلسه استماع شفاهی تسلیم نمایند، دیوان در آن صورت درمورد موضوعات صلاحیتی و ماهیتی [پرونده] براساس مدارک تسلیمی تصمیم خواهد گرفت.

در پاسخ به این دستور، بانک مرکزی درخواست به موقعی برای تشکیل جلسه استماع ارائه کرد.

در دوم مردادماه ۱۳۶۵ [۲۴ ژوئیه ۱۹۸۶] ورلد فارمرز درخواست تمدیدی تسلیم کرد که رؤسای مشترک دفتر به این دلیل که برخلاف قواعد دیوان متن فارسی همراه آن نبود، از ثبت آن امتناع کردند. علی رغم مفاد دستور مورخ ۱۳ مردادماه ۱۳۶۵ [چهارم اوت ۱۹۸۶] مبنی بر ثبت ادله و مدارک، ورلد فارمرز مدرکی به ثبت نرساند.

۸ - در ۲۹ بهمن ماه ۱۳۶۵ [۱۸ فوریه ۱۹۸۷] نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران نامه ای به ثبت رساند و درخواست کرد که دیوان دعاوی را مردود اعلام نماید. دیوان طی دستور مورخ ۱۵ اسفندماه ۱۳۶۵ [ششم مارس ۱۹۸۷] متذکر شد که خواهان اظهاریه‌ای پیرو دستور مورخ ۱۳ مردادماه ۱۳۶۵ [چهارم اوت ۱۹۸۶] حاوی برنامه رسیدگی‌های آتی پرونده، به ثبت نرسانده است.

طی همان دستور دیوان از خواهان دعوت کرد که تا ۲۸ فروردین ماه ۱۳۶۶ [۱۷ آوریل ۱۹۸۷] نظرات خود را درباره درخواست نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران دایر بر رد ادعاها به ثبت رساند. در دستور همچنین اعلام شد که:

چنانچه تا تاریخ یاد شده نظری به ثبت نرسد، دیوان ادعا را مسترد شده تلقی خواهد کرد.

۹ - در ۳۱ فروردین ماه [۲۰ آوریل ۱۹۸۷] ورلد فارمرز لایحه‌ای حاوی سه بخش تسلیم نمود. عنوان بخش اول، "اصلاحیه دعوی" و عنوان بخش دوم، "اطلاعیه تقاضای داوری" و عنوان بخش سوم، "نظرات خواهان مورد تقاضای حکم جزئی" بود. در بخش سوم، ورلد فارمرز ضمن مطالبی دیگر از دیوان درخواست کرد که در حکم جزئی صادره در این پرونده تجدید نظر و رأی خود درباره صلاحیت را نقض کند و به دعوای مطروح علیه خوانده، شرکت معاملات، براساس ماهیت رسیدگی کند. در سوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ [۲۳ آوریل ۱۹۸۷] نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران نامه‌ای ثبت و از دیوان درخواست کرد که طبق مقررات ماده ۳۴ قواعد دیوان، دستور ختم پرونده را صادر کند و اظهار داشت که چون خواهان ظرف مهلت مقرر در دستور مورخ ۱۵ اسفندماه ۱۳۶۵ [ششم مارس ۱۹۸۷] نظرات خود را به ثبت نرسانده است، دعوای وی باید مسترد شده تلقی گردد. در پاسخ به دستور مورخ هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ [۲۸ آوریل ۱۹۸۷] دیوان مبنی بر دعوت از خواندگان برای ثبت نظرات خود درباره آخرین لایحه ورلد فارمرز، نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران در ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ [هشتم مه ۱۹۸۷] و متعاقباً در ۲۹ تیرماه ۱۳۶۶ [۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷] نامه‌هایی ثبت و درخواست قبلی خود از دیوان دایر بر ختم پرونده را تکرار کرد.

۱۰ - در ۲۵ آذرماه ۱۳۶۶ [۱۶ دسامبر ۱۹۸۷] ورلد فارمرز طی نامه‌ای به دیوان اطلاع داد که وکیل جدیدی استخدام کرده است. در دهم دیماه ۱۳۶۶ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۷] ورلد فارمرز نامه دیگری ثبت و اعلام کرد که مدارک و استدلالات حقوقی خود را حداکثر تا ۲۵ دیماه ۱۳۶۶ [۱۵ ژانویه ۱۹۸۸] تسلیم خواهد کرد. در ۱۷ دیماه ۱۳۶۶ [هفتم ژانویه ۱۹۸۸] ورلد فارمرز نظرات خود را درباره درخواست مورخ ۲۹

بهمن ماه ۱۳۶۵ [۱۸ فوریه ۱۹۸۷] نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران مبنی بر رد دعوا به ثبت رساند. در ۲۳ دیماه ۱۳۶۶ [۱۳ ژانویه ۱۹۸۸] ورلد فارمرز لایحه‌ای تحت عنوان "اطلاعیه خواهان درباره ادعاها و موضوعاتی که باید توسط دیوان حل و فصل شوند" به ثبت رسانده ضمن سایر تقاضاها، درخواست کرد که دیوان جلسه استماعی برگزار کند. در ۲۵ دیماه ۱۳۶۶ [۱۵ ژانویه ۱۹۸۸] نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران نامه‌ای ثبت و اشعار داشت که خوانندگان به ثبت لوایح اخیر خواهان معترضند و دعوا را مسترد شده تلقی می‌کنند.

۱۱ - در پنجم بهمن ماه ۱۳۶۶ [۲۵ ژانویه ۱۹۸۸] ورلد فارمرز سه لایحه به ثبت رساند، یکی تحت عنوان "خلاصه مدارک کتبی خواهان"، دیگری تحت عنوان "اطلاعیه ثبت مدارک کتبی" و سومی، تحت عنوان "اطلاعیه خواهان درباره ادعاها و موضوعاتی که باید توسط دیوان رسیدگی شوند". لایحه اخیر، بدون پیوسته‌های مورد اشاره در آن، قبلاً در ۲۳ دیماه ۱۳۶۶ [۱۳ ژانویه ۱۹۸۸] ثبت شده بود. در ۱۳ بهمن ماه ۱۳۶۶ [دوم فوریه ۱۹۸۸] نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران طی نامه‌ای از طرف خوانندگان به ثبت لوایح مورخ پنجم بهمن ماه ۱۳۶۶ [۲۵ ژانویه ۱۹۸۸] خواهان اعتراض کرد. در ۲۲ فروردین ماه ۱۳۶۷ [۱۱ آوریل ۱۹۸۸] ورلد فارمرز نامه‌ای ثبت و از دیوان درخواست کرد که جریان رسیدگی به پرونده را تسریع نماید. در دوم تیرماه ۱۳۶۷ [۲۳ ژوئن ۱۹۸۸] ورلد فارمرز اظهاریه دیگری ثبت و راجع به وضعیت پرونده درخواست گزارش کرد.

۱۲ - در ۲۴ مردادماه ۱۳۶۷ [۱۵ اوت ۱۹۸۸] ورلد فارمرز اظهاریه‌ای تحت عنوان "تقاضای عاجل خواهان برای تسریع رسیدگی و دریافت گزارش از وضعیت پرونده" به ثبت رساند. تقاضای مزبور، برحسب اظهار، باتوجه به وخامت حال آقای دانیل فلینچم رئیس و شاهد اصلی ورلد فارمرز به ثبت رسیده بود. در هفتم شهریورماه ۱۳۶۷

[۲۹ اوت ۱۹۸۸] نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران اعتراضیه‌ای نسبت به مندرجات اظهاریه مورخ ۲۴ مردادماه ۱۳۶۷ [۱۵ اوت ۱۹۸۸] ورلد فارمرز به ثبت رساند. در ۱۹ آبان ماه ۱۳۶۷ [دهم نوامبر ۱۹۸۸] ورلد فارمرز اظهاریه‌ای تحت عنوان "دومین درخواست عاجل خواهان برای تسریع رسیدگی و دریافت گزارش از وضعیت پرونده" به ثبت رساند.

دو - دلایل حکم

۱ - موضوعات مقدماتی

الف) درخواست ورلد فارمرز برای تجدید نظر در حکم جزئی

۱۳ - همانطور که (در بند ۹ این حکم) ملاحظه شد، ورلد فارمرز از دیوان درخواست کرده است که در حکم جزئی "تجدید نظر" و رأی خود را مبنی بر اینکه دعوی ورلد فارمرز علیه شرکت معاملات از حیطة صلاحیت دیوان خارج است نقض نماید. این درخواست، به همان دلایلی که در تصمیم شماره 1-149-30 DEC. مورخ ۲۲ دیماه ۱۳۶۲ [۱۲ ژانویه ۱۹۸۴] در پرونده مارک دلال و جمهوری اسلامی ایران (منتشره در 74 Iran-U.S. C.T.R. 5) آمده‌اند محکوم به رد است :

درمورد درخواست "تجدیدنظر" چه در بیانیه‌های الجزیره و چه در قواعد دیوان رسیدگی مجدد به پرونده، به نحوی که منظور نظر آقای دلال است پیش بینی نشده است. بند ۱ ماده ۴ بیانیه حل و فصل دعاوی مقرر می‌دارد که "تمام تصمیمات و احکام هیئت داورى قطعی و لازم‌الاجراء خواهد بود". بند ۲ ماده ۳۲ قواعد دیوان مشعر بر آنست که احکام صادره دیوان "قطعی و اجرای آن برای طرف‌ها الزامی است". قواعد دیوان جهت قطعیت بخشیدن به احکام، اختیارات دیوان را پس از صدور حکم، محدود نموده است. لذا، داوران [تنها اختیار دارند که] تفسیری از حکم خود را ارائه دهند (ماده ۳۵)، یا دیوان "هرگونه اشتباه

محاسبه، غلط‌های انشائی و املائی یا اشتباهاتی از این دست را تصحیح کند" (ماده ۳۶)، یا با استناد به ماده ۳۷، "درمورد آندسته از دعاوی که در جریان داورى ارائه شده لکن در حکم از آنها ذکرى به میان نیامده، حکمى تکمیلی صادر نماید". درخواست آقای دلال مبتنی بر هیچیک از اوضاع و احوال مندرج در مواد ۳۵، ۳۶ و ۳۷ قواعد دیوان نیست.

به همین نحو، درخواست ورلد فارمرز در حیطه شمول مواد ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ قرار نمی‌گیرد. ورلد فارمرز به هیچ ابهامی در حکم جزئی که مستلزم تفسیر باشد یا هیچ نقصى که صدور حکم دیگری را ایجاب کند اشاره نکرده است. ورلد فارمرز درخواست تصحیح اشتباه محاسبه یا غلط‌های انشائی یا املائی نیز نداشته، بلکه درخواست می‌کند که تصمیم نقض شود. همچنین رجوع شود به: تصمیم شماره DEC 26-200-1 مورخ ۲۵ شهریورماه ۱۳۶۲ [۱۶ سپتامبر ۱۹۸۳] در پرونده هنری موریس و دولت جمهوری اسلامی ایران (منتشره در 364 Iran-U.S. C.T.R. 3). به علاوه درخواست‌های مبتنی بر مواد ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ باید ظرف ۳۰ روز پس از دریافت حکم تسلیم شوند. بدیهی است که درخواست ورلد فارمرز که بیش از چهار سال بعد از ثبت حکم جزئی ارائه شده، به موقع نیست و در شرایط پرونده حاضر نباید پذیرفته شود.

ب - صدور رأی بدون تشکیل جلسه استماع

۱۴ - دیوان طی دستور مورخ ۱۳ مردادماه ۱۳۶۵ [چهارم اوت ۱۹۸۶] که در بالا نقل شد، به طرفین اطلاع داده بود که چنانچه یکی از طرفین تا ۲۹ بهمن ماه ۱۳۶۵ [۱۸ فوریه ۱۹۸۷] درخواستی برای تشکیل جلسه استماع شفاهی تسلیم نکند، دیوان براساس مدارک تسلیم شده، نسبت به بقیه مسائل صلاحیتی و ماهیت پرونده هردو، تصمیم خواهد گرفت. (بند ۷ همین حکم). صدور دستور مزبور طبق بند ۲ ماده ۱۵

قواعد دیوان که در زیر نقل می‌شود، در حیطه اختیارات دیوان بود:

در هر مرحله از رسیدگی، دیوان داوری باید در صورت درخواست هریک از دو طرف جلسات استماعی جهت ادای شهادت ... یا استدلال شفاهی برگزار نماید. در نبود چنین درخواستی دیوان داوری در باب این نکته تصمیم خواهد گرفت که یا جلسات استماعی از اینگونه را تشکیل دهد یا اینکه جریان داوری بر اساس مدارک و سایر اسناد صورت گیرد.]

۱۵ - هیچیک از خواندگان به استثنای بانک مرکزی درخواست تشکیل جلسه استماع نکرد (بند ۷ همین حکم). ولی بعداً "نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران باتوجه به تحول اوضاع و احوال، از طرف خواندگان درخواست کرد که دیوان پرونده را مختومه نماید، زیرا پرونده باید مسترد شده تلقی گردد. (بند ۹ همین حکم). طرفی که درخواست می‌کند پرونده‌ای به این دلیل که مسترد شده تلقی گردیده خاتمه یابد و در لوایح بعدی خود نیز ذکری از جلسه استماع نمی‌کند، مسلماً دیگر علاقمند به تشکیل جلسه استماع نیست. بر این اساس دیوان اعلام می‌دارد که در حال حاضر درخواستی از طرف بانک مرکزی و یا هر خواننده دیگر برای تشکیل جلسه استماع وجود ندارد.

۱۶ - ورلد فارمرز تا ۲۹ بهمن ماه ۱۳۶۵ [۱۸ فوریه ۱۹۸۷] که مهلت تعیین شده طی دستور مورخ ۱۳ مردادماه ۱۳۶۵ [چهارم اوت ۱۹۸۶] دیوان بود، درخواستی برای تشکیل جلسه استماع به ثبت نرساند، ولی یازده ماه پس از مهلت مزبور، درخواست استماع کرد. بند ۲ ماده ۱۵ قواعد دیوان که در بالا نقل شد، مقرر می‌دارد که "در هر مرحله از رسیدگی" هر طرف می‌تواند درخواست استماع کند. این ماده، با رعایت اوضاع و احوال خاص هر مورد، باید چنین تعبیر شود که جلسات استماع به درخواست معقول هر طرف دعوی که در مرحله مناسبی از رسیدگی به عمل آمده باشد، تشکیل

خواهد شد. باتوجه به کلیه اوضاع و احوال این پرونده، دیوان معتقد است که چون ورلد فارمرز ظرف مهلت مقرر در دستور دیوان درخواست تشکیل جلسه استماع نکرده، لذا درخواست وی در این مرحله معقول یا مناسب نیست. بنابراین، دیوان درباره بقیه موضوعات صلاحیتی و ماهیت پرونده، براساس اسنادی که تسلیم شده‌اند، و بدون تشکیل جلسه استماع تصمیم خواهد گرفت.

ج) - سایر موضوعات مقدماتی مربوط به دعاوی

۱۷ - چند موضوع مقدماتی دیگر در ارتباط با دعاوی وجود دارد که اهم آنها عبارتند از اینکه: (۱) آیا باتوجه به قصور ورلد فارمرز در ثبت به موقع لوایح (بند ۹ همین حکم) دعاوی باید، همانطوریکه خواندگان تقاضا کرده‌اند، مسترد شده تلقی شوند یا خیر (۲) آیا "اصلاحیه دعوی" و سایر لوایح ثبت شده توسط ورلد فارمرز در ۳۱ فروردین ماه ۱۳۶۶ [۲۰ آوریل ۱۹۸۷] قابل قبول می‌باشند یا خیر (بند ۹ همین حکم) (۳) آیا لوایحی که ورلد فارمرز در پنجم بهمن ماه ۱۳۶۶ [۲۵ ژانویه ۱۹۸۸] به ثبت رسانده قابل قبولند یاخیر (بند ۱۱ فوق) و (۴) آیا باتوجه به حکم جزئی، دیوان صلاحیت رسیدگی به دعاوی مطروح علیه بانک ملی و بانک مرکزی را دارد، یا خیر. دیوان لزومی نمی‌بیند که راجع به این موضوعات تصمیم‌گیری کند، زیرا ولواینکه موضع ورلد فارمرز درمورد کلیه آنها مورد قبول واقع می‌شد باز دعاوی مطروح علیه بانک ملی و بانک مرکزی در ماهیت محکوم به رد می‌باشند، چه ورلد فارمرز هیچیک از ادله‌ای را که برای اثبات این دعاوی ضروری می‌باشد ارائه نکرده است. (رجوع شود به بندهای ۲۰ - ۲۲ همین حکم).

د - صلاحیت رسیدگی نسبت به دعاوی متقابل شرکت معاملات

۱۸ - از لوایح تسلیمی واضح است که دعاوی متقابل شرکت معاملات علیه ورلد فارمرز بابت

خسارات ناشی از عدم اجرای ادعایی قرارداد توسط ورلد فارمرز و عدم ارائه ضمانتنامه حسن انجام کار بر همان قراردادهایی مبتنی است که مبنای دعوای مطروح علیه شرکت معاملات بوده‌اند. باتوجه به اینکه دیوان در حکم جزئی صادره در این پرونده دعوای مبتنی بر آن دو قرارداد را به لحاظ فقد صلاحیت رد کرده است، طبعاً دیوان صلاحیت رسیدگی به دعوای متقابل ناشی از همان قراردادها را نیز ندارد، و چون مبنای صلاحیتی دیگری برای دعوای متقابل وجود ندارد، دعوای متقابل باید مردود شناخته شود. برای نمونه رجوع شود به: ص ۳ حکم شماره ۱۵۹۰۲ مورخ ۱۷ آذرماه ۱۳۶۱ [هشتم دسامبر ۱۹۸۲] در پرونده ریلینس گروپ، اینک و شرکت ملی نفت ایران و سایرین (منتشره در 1 Iran-U.S. C.T.R.) 384, 385 و ص ۹ حکم شماره ۲ - ۸۲ - ۱۳۸ مورخ هشتم تیرماه ۱۳۶۳ [۲۹ ژوئن ۱۹۸۴] پرونده ویلیام بایکف و سایرین و جمهوری اسلامی ایران (منتشره در 1 Iran-U.S. C.T.R. 1, 7) و ص ۵۵ - ۵۴ حکم شماره ۲ - ۳۰۲ - ۱۸۶ مورخ ۲۸ مردادماه ۱۳۶۴ [۱۹ اوت ۱۹۸۵] در پرونده اینترنشنال تکنیکال پروداکشن کورپوریشن و سایرین و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین (منتشره در 9 Iran-U.S. C.T.R. 10, 38) و ص ۶ حکم شماره ۱ - ب - ۶۹ / ب - ۵۹ - ۲۴۷ مورخ ۲۴ مردادماه ۱۳۶۵ [۱۵ اوت ۱۹۸۶] در پرونده وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران و دولت ایالات متحده آمریکا و سایرین (منتشره در 12 Iran-U.S. C.T.R. 33) 36 و ص ۴۱ حکم شماره ۲ - ۴۳۹ - ۲۵۶ مورخ چهارم مهرماه ۱۳۶۵ [۲۶ سپتامبر ۱۹۸۶] در پرونده اینترنشنال سیستمز اند کنترلز کورپوریشن و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (منتشره در 12 Iran-U.S. C.T.R. 239, 264) و ص ۸ حکم شماره ۱ - ۳۷۵ - ۳۵۲ مورخ ۲۱ اسفندماه ۱۳۶۶ [۱۱ مارس ۱۹۸۸] در پرونده بندون دروسی اینترنشنال و دولت جمهوری اسلامی ایران.

۲ - ماهیت

دعوی ورلد فارمرز علیه بانکها

۱۹ - همانطور که قبلاً ملاحظه شد، در حکم جزئی، دعوی مطروح علیه شرکت معاملات به لحاظ فقد صلاحیت رد شد (بند ۴ همین حکم). بنابراین تنها دعوی باقیمانده ورلد فارمرز در این پرونده آنهایی است که علیه بانک ملی ایران و بانک مرکزی ایران بر مبنای اعتبارات اسنادی ادعایی طرح شده‌اند.

۲۰ - برای وصول وجه اعتبارات اسنادی، ورلد فارمرز باید ابتدا دو مطلب را ثابت کند:

۱ - اینکه اعتبارات اسنادی مورد بحث در واقع صادر شده‌اند، و

۲ - ورلد فارمرز اسناد لازم (مثلاً مدرک حمل اجناس) را به بانکها ارائه و کلیه قیود و شرایط اعتبارات اسنادی را اجرا کرده است.

ولی هیچ مدرکی دال بر اینکه بانکهای خواننده عملاً اعتبارات اسنادی را صادر کرده باشند وجود ندارد. ورلد فارمرز رونوشت آنها را به دیوان تسلیم نکرده توضیح نیز نداده که چرا این دلیل ابتدایی صدور اعتبارات اسنادی را به عنوان مدرک ارائه نکرده است. بالعکس، به نظر می‌رسد که بانکهای خواننده به دلیل وجود اختلافاتی بین ورلد فارمرز و شرکت معاملات بر سر شروط ضمانتنامه حسن انجام کار و قراردادهای فروش - که به دلایل مذکور در حکم جزئی دیوان صلاحیت رسیدگی به آنها را ندارد - اعتبارات اسنادی را صادر نکرده‌اند. گرچه تلکسهای واصل از بانکهای خواننده حاوی عبارتی است به این مفهوم که اعتبارات اسنادی "افتتاح

شده‌اند"، اما در همان تلکسها توضیح داده شده که اعتبارات اسنادی هنوز "قابل اجرا" نمی‌باشند. این امر دلالت بر آن دارد که بانکهای خواننده معتقد بوده‌اند که صدور واقعی اعتبارات اسنادی توسط آنها، منوط به انجام اقدامات دیگری از ناحیه ورلد فارمرز خواهد بود.

۲۱ - علاوه براین، دلیلی وجود ندارد که ورلد فارمرز اسناد لازم برای پرداخت وجه اعتبارات اسنادی را به بانکهای خواننده ارائه کرده باشد. در واقع ورلد فارمرز تمام اسناد لازم را در دست نداشت، زیرا اجناس هیچگاه حمل نشده بودند. از اینرو دیوان باید نتیجه بگیرد که ورلد فارمرز ادله ابتدایی لازم برای اثبات دعوای خود علیه بانکهای خواننده را ارائه نداده است.

۲۲ - ورلد فارمرز اظهار می‌دارد که بانکهای خواننده با تغییر "یکجانبه" شرایط ضمانتنامه حسن انجام کار و افزودن شروط جدید به قراردادهای فروش تعهدی را که برعهده داشته‌اند نقض کرده‌اند. مدارک خود ورلد فارمرز نشان می‌دهد که این درخواستهای ادعایی برای تغییر [شرایط ضمانتنامه] از ناحیه بانکها آغاز نشده بلکه درخواست های شرکت معاملات بوده‌اند که بانکها از طرف مشتری خود آنها را ابلاغ می‌کردند. حتی اگر چنین تعهدی نیز وجود می‌داشت و بانکها آن تعهد را نقض کرده باشند، باز هم دلیلی وجود ندارد که نشان دهد ورلد فارمرز در اثر آن متحمل خسارتی شده است. ورلد فارمرز پرداخت بهای قراردادی اجناس را مطالبه می‌کند، ولی هیچ دلیلی ارائه نکرده که نشان دهد اجناسی را که ظاهراً می‌خواسته به شرکت معاملات بفروشد، واقعاً خریداری کرده بود. دلیلی وجود ندارد که نشان دهد با فروش یا سعی در فروش کالاها به دیگران ورلد فارمرز به تعهد قانونی خود برای کاهش میزان خساراتش، عمل کرده است.

۲۳ - بالاخره، دیوان ملاحظه می‌کند که ورلد فارمرز فرصتی بیش از حد لازم برای ارائه ادله در اختیار داشته، چند بار برای تسلیم لوایح خود تقاضای تمدید مهلت کرده تقاضاهای وی نیز اجابت شده است. معیناً ورلد فارمرز به کرات در رعایت مهلت‌هایی که دیوان برای تسلیم لوایح تعیین کرده بود، قصور ورزید. لوایحی که ورلد فارمرز تسلیم کرده، به موقع نبوده حتی اگر پذیرفته هم می‌شدند حاوی ادله کافی برای اثبات ادعاها نیست.

۲۴ - به دلایل مذکور در بالا، دیوان نتیجه می‌گیرد که ورلد فارمرز از عهده اثبات دعاوی خود علیه بانک ملی و بانک مرکزی بر نیامده بنابراین دعاوی وی به لحاظ فقد دلیل مردود اعلام می‌شوند.

هزینه‌ها

۲۵ - بابت هزینه‌های داوری حکمی به مبلغ ۱۰۰۰/- دلار آمریکا، مشترکاً به نفع خواندگان، بانک ملی ایران و بانک مرکزی ایران صادر می‌گردد.

سه - حکم

به دلایل پیشگفته،

دیوان داوری به شرح زیر مقرر می‌دارد:

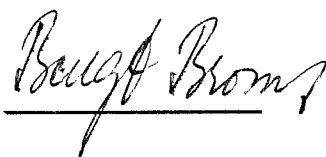
الف) دعاوی مطروح علیه بانک ملی ایران و بانک مرکزی ایران رد می‌شوند.

ب) دعاوی متقابل شرکت معاملات دولتی علیه ورلد فارمرز تریدینگ اینکورپوریتد به لحاظ عدم صلاحیت رد می‌شود.

ج) خواهان، ورلد فارمرز تریدینگ اینکورپوریتد متعهد است مبلغ ۱۰۰۰/- دلار آمریکا بابت

هزینه‌های مشترک دآوری به بانک ملی ایران و بانک مرکزی ایران بپردازد.

لايه، به تاريخ ۱۶ تيرماه ۱۳۶۸ برابر با ۷ ژوئيه ۱۹۸۹



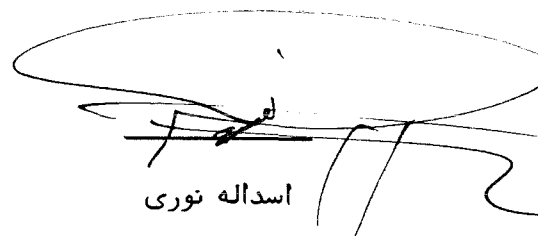
بنگت برومس

رئيس شعبه يك



هوارد ام. هولتزمن

بنام خدا



اسداله نوری